

خلاصه

خروج قریب الوقوع نیروهای امریکایی از افغانستان، قدرت‌های منطقه‌ای را در کانون توجه قرار داده تا مشخص کنند چگونه می‌توانند پیچیدگی‌های جدید را در منطقه هدایت کنند، زیرا کابل با خلأ امنیتی قریب الوقوعی مواجه است. بازنگران منطقه‌ای مانند چین، پاکستان و روسیه برای اعمال نفوذ دیپلماتیک خود در مذاکراتی به منظور حل و فصل سیاسی و انتقال آرام قدرت، پیشقدم بوده‌اند. چین تعهد خود را به حمایت از گفت‌وگوهای صلح «به رهبری و مالکیت افغان‌ها» تأیید کرده است و در عین حال از کشورهای دیگر خواسته در افغانستان «نقش سازنده‌ای ایفا کنند».

در این مقاله سیاست چین در افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر، تأثیرات ژئوپلیتیکی مؤثر بر موقعیت چین در افغانستان و فرصت‌های این کشور برای مداخله در افغانستان برای پیشبرد آن بررسی شده است.

خطوط برجسته سیاست چین در افغانستان

جنگ ایالات متحده و شوروی در افغانستان و پوییش ضدشورش ایالات متحده علیه طالبان، روابط چین-افغانستان را دچار مشکل کرده است. برای مدتی طولانی چین با افغانستان تعامل چندانی نداشت و تا حد زیادی خود را از معارضه دور نگاه داشت؛ با این حال پس از سقوط طالبان به دنبال مداخله ایالات متحده در سال ۲۰۰۱، چین اقداماتی اساسی برای مشارکت در بازسازی صلح‌آمیز افغانستان آغاز کرد. چین در فوریه ۲۰۰۲ سفارت خود را پس از هفت سال در کابل بازگشایی کرد. متعاقباً رئیس‌جمهور وقت افغانستان، حامد کرزای و رئیس‌جمهور چین، هو جین تائو در دسامبر ۲۰۰۲ اعلامیه روابط خوب همسایگی و در ژوئن ۲۰۰۶ معاهده دوستی و همکاری و روابط خوب همجواری را امضا کردند.

در ژوئن ۲۰۱۲ روابط چین و افغانستان از یک مشارکت همکاری فراگیر به «مشارکت راهبردی و همکاری» ارتقا یافت و همکاری در پنج رکن سیاست، اقتصاد، علوم انسانی، امنیت و امور بین‌المللی و منطقه‌ای تأیید شد. [۱]

مهم‌ترین منفعت چین در افغانستان، تضمین امنیت و ثبات است. استان سین‌کیانگ در غرب چین یک مرز کوتاه ۷۶ کیلومتری با افغانستان دارد. این مرز باریک نگرانی‌های امنیتی زیادی را برای چین ایجاد کرده است. برای سال‌ها سازمان‌های تروریستی جهانی مانند القاعده و دولت اسلامی، تهدیدی برای ثبات منطقه بوده، زیرا عملیات آنها به کشورهای همسایه سرایت کرده است.

علاوه بر این، جنبش اسلامی ترکستان شرقی به رهبری تندروهای اسلامی اویغور، از پایگاه‌های خود در افغانستان عملیاتی را در چند شهر چین مانند پکن و کونفینگ انجام داده و امنیت داخلی چین را به شکل جدی تضعیف کرده‌اند. چین در ملاقات‌ها و گفت‌وگوهایی که با مقامات افغان داشته، به عنوان نگرانی اصلی خود، سه «شر» تروریسم، جدایی طلبی و افراط‌گرایی مذهبی را مطرح کرده است. تا زمانی که افغانستان به ثبات نرسد، همچنان امنیت و حفاظت از خود اولویت چین خواهد بود.

آغاز خروج نیروهای نظامی ایالات متحده و سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) در سال ۲۰۱۴، احتمالاً فروگشا یا کاتالیزوری بود که چین را به گسترش نفوذ دیپلماتیک خود در افغانستان و میانجی‌گری در مناقشه آن کشور سوق داد. خروج ایالات متحده از افغانستان و پیدایش BRI

برای مدتی
طولانی چین
با افغانستان
تعامل چندانی
نداشت و تا حد
زیادی خود را
از معارضه دور
نگه داشت؛ با
این حال پس از
سقوط طالبان
به دنبال مداخله
ایالات متحده
در سال ۲۰۰۱،
چین اقداماتی
اساسی برای
مشارکت
در بازسازی
صلح‌آمیز
افغانستان آغاز
کرد